مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.

ف، هیرمند ۲۰۲۰/۰۶/۰۷

سیاست شناسی La Politologie
و حواشی

نه سنجیده ام که تهیهٔ این مقالت چقدر می تواند نیاز روزباشد...؟ فکر کردم شاید چیز قابل خواندنی از آن برون آید، پس به تحریر آن دست یازیدم.
باری در یکی از نوشته هایم زیر عنوان "مسؤولیت گذاری امور سیاسی بر دوش دانشمند" دو اصطلاح را به کار برده بودم این دو ترم عبارت بودند از "پولیتولوژی" و "پولیتولوگ" که معانی آنها در نزد برخی از دوستان گرامی مبهم ماندند.
بعضی وقت ها در برابراصطلاحات یا ترم های قرار می گیریم که یا مفاهیم آنها بنابر کمتر معمول بودن شان به طور دقیق بر ما روشن نیست و یا معانی آنها پیچیده و یا مقرب به اصطلاحات دیگر می باشد که سبب آن میگردد تعاریف شان نزد ما با مفاهیم دیگری خلط گردد و استنباط های دیگری، بجای مفهوم اصلی آن، در ذهن ما شکل گرفته و مرجح دانسته شود، و این شکل اخیر با محتوای معنایی ترم اصلی، ارتباط و قرابتی را حایز نباشد.
نوشتهٔ رویدست محصول پژوهش در بارهٔ دو اصطلاح نامبرده می باشد، فهم ما از این واژه ها ما را کمک میکند تا مفاهیم اصطلاحات جدیدی را که تحول و انکشاف حوزهٔ مربوط را با ترم های مورد بحث به معرفی میگیرد، مورد شناخت قرار بدهیم.
علوم اجتماعی از درجهٔ بلند خصلت نسبیت بر خوردار است، که در دوران سریع فعلی تحول و رشد علوم، نمی شود، دامنه و گسترهٔ علوم و شاخه های آنرا به طور قطعی مقید نمود، "پولیتولوژی" و "پولیتو لوگ" از همین ترم هایست که به ما از حضور باب دیگر در عرصهٔ علوم سیاسی خبر میدهد.این دو اصطلاح در حوزهٔ علوم سیاسی ریشه دارد.
طوری که مبرهن است عمده های ابواب **علوم سیاسی** این ها خواهند بود:

- تئوری های در علوم سیاسی
- جامعه شناسی سیاسی
- تأریخ سیاسی
- اقتصاد سیاسی
- ژورنالیزم سیاسی
- (جیو پولیتک)
- فلسفهٔ سیاسی
- فرهنگ سیاسی
- حقوق اساسی وسیاسی
- دیپلوماسی
- و...
- بالاخره سیاست شناسی یا پولیتولوژی

این شاخه های علوم مرتبط با علوم سیاسی گرچه هر کدام بخش های بالنسبه مستقل شمرده می شوند، اما در مطالعهٔ علوم سیاسی به درک لااقل عام این دانش ها لازم خواهد بود.
سیاست شناسی طبعیتاً در زیر عنوان بزرگ "علوم سیاسی" قرار دارد و به نحوی با مطالعه و بستر جامعه شناسی سیاسی پیوند می خورد.
در نظام های سیاسی پیشرفتهٔ حاضر، در بخش علوم سیاسی و جامعه شناسی سیاسی، در کنار سایر مفردات این رشته، سیاست شناسی یا پولیتولوژی (la Politologie) یکی از شعبات مهم علوم سیاسی مطرح گردیده که اخیراً

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

به اثر رشد گستردهٔ "پروفسیونلیزم" یا تخصصیت، زیاد به سوی انکشاف می رود و طرفداران بیشتری هم به خود جلب نموده است. علوم سیاسی که یکی از شاخه های مهم علوم اجتماعی است، نیز از خود خصایل علمی خود را دارد. وقتی به این خصایل نگاه میکنیم در می یابیم که سیاست تنها مسلک حکمروایان، سیاسیون، احزاب، فعالان سیاسی و تشنگان قدرت نیست، یا صرف رشتهٔ مورد علاقهٔ پیروان ایدیولوژی های مختلف نیز نمی باشد و همچنان سیاست وسیلهٔ اجرای کار برخی از قدرتمندان هم نیست، سیاست تنها طرق اجرای برنامه های گرایش ها و تمایلات مختلف درارگان های متعدد دولت به منظور تحقق اهداف سیاسی شان هم نه خواهد بود و نیز سیاست در کسوت دیپلوماسی آن، تنها حوزهٔ مورد نیاز دیپلومات ها هم نمی باشد.
البته خیلی و خیلی خواستنی و ایده آل خواهد بود اگر همان های که در بالا نام برده شدند، به آگاهی ها، قواعد و فنون علمی سیاسی مجهز می بودند، اما غالباً چنین نمی باشد، زیرا این گروه ها بیشتر با مفاهیم عملی، پراتیک، تجربی و بعضاً عامیانه و عوام زدهٔ سیاسی عمل می کنند، انتخاب این یا آن قاعده و فن سیاسی از جانب سیاستمداران، منوط به کارآمدی آن قاعده و فن در ارتباط به مقصد و هدفی است که باید تحقق یابد، مگر گزینش ها بر اساس تخمین های عملی و سنجش های عینی و مادی صورت خواهد گرفت و سنجشگر مسائل، پلان سیاسی اش را بر اساس اصول معینهٔ سیاستگذاری، طراحی نخواهد کرد.
در گذشته ها، بعضاً تِرم "پولیتولوژیک" با محتوای تمسخرآمیز و کنایه گونه به کار میرفت؛ وقتی یک تاکتیک سیاسی و چال و نیرنگ سیاسی با دقت و تأمل زیاد و پختگی طرح می شد، میگفتند "سیاست شناسانه" تهیه شده است.
جامعه شناسی سیاسی در قواعد معین خود، نظام های سیاسی و گروه های اجتماعی شامل در آن را معرفی کرده ونقش این گروه ها را در رویداد های سیاسی و اجتماعی مطالعه میکند
علوم سیاسی از دانش های بحث میکند که ناظر به بدست آوردن قدرت سیاسی، اِعمال قدرت سیاسی، تغییر و تحول در قدرت سیاسی، بر انداختن و سقوط قدرت سیاسی و خلاصه آنچه به بدست آوردن و براندازی قدرت سیاسی و تحول و تکامل و انحطاط قدرت سیاسی تعلق میگیرد، علوم سیاسی مؤظف به شرح آن است.
در این میان مطالبی باقی می ماند که مطالعه و شرح آن نه به جامعه شناسی سیاسی گذاشته و مشخص شده است و نه علوم سیاسی به آن می پردازد، موضوعات دیگری اند که به صورت مشخص در فهرست مطالب مندرج در جامعه شناسی سیاسی و علوم سیاسی به آسانی، پذیرای شمول نخواهند بود.
بعضاً هم اگر عناوینی از علم سیاست در این حوزهٔ اخیر- سیاست شناسی - مداخله نماید ارزیابی های اش ناگزیر به یک مشی و یا ایدیولوژی مشخص متعلق خواهد شد و در جهت جانبداری - و نه بیطرفی - خواهد غلتید.
آن موضوعات، مطالب و مسائل کدام اند که خصایل متشخصی دارند و برون از دایرهٔ کاری دو عنوان علوم اجتماعی فوق میگردند..؟
مطالعه، بررسی، ارزیابی، تحلیل و نقد برنامه ها، استراتیژی ها، روش های روزمرهٔ تمایلات متعدد احزاب، حکومات و گرایش های سیاسی آنان و مطابقت شان با خطوط اصلی مدعیات آنان وهم پیش بینی های اجرای سیاست ها و برنامه های سیاسی آنان و عواقب خیر وشر از اجرای آن پروگرام ها، با قواعد علمی و بیطرفانه.
این عناوین اخیر متعلق به محتوای اصلی "سیاست شناسی یا پولیتولوژی" می باشند و این پژوهش توسط علمای مختص به همین حوزه به عمل می آید، پولیتولوگ ها معمولاً دانشمندان غیر سیاسی، تحلیل گران، مبصران و مفسران سیاسی اند که مسلک شان همین ارزیابی و تحلیل سیاست ها و نتایج تحقق آن سیاست ها می باشد، با تأکید بر این اصل که این گروه اخیر الذکربا فضیلت علمی، بیطرفانه و ارائهٔ یک مؤلفهٔ علمی این شغل را دنبال میکنند، نه آنکه برای توجیه کدام مشی، ایدیولوژی یا سیاست معین به این کسب دست یازیده باشند.
در گذشته ها عناوینی مانند "تحلیل سیاسی" و "نقد سیاسی" که توسط سیاسیون به عمل می آمد، معمول بوده است که بخشی ازمضامین و محتوای موضوعات مربوط به "پولیتولوژی" امروزی را شامل میگردند؛ فرق اساسی آن مطالعات با روح و جهت پولیتولوژی در این است که آن تحلیل ها و نقد ها توسط سیاسیون و به منظور توجیه و تفسیر سیاسی یک خط معین سیاسی و ارجاح آن صورت میگرفت و بعضاً در آن ارزیابی ها فقط اصول پذیرفته شدهٔ یک ایدیولوژی و یا مشی سیاسی به مثابهٔ محک صحت ارزیابی اساس قرار میگرفت در حالیکه در پولیتولوژی قواعد معین علمی برای ارزیابی ها مقیاس قرار داده می شود.
یک سیاستمدار در کوشش تحقق استراتیژی اش است که به صورت یک هدف و یا مقصد سیاسی برون داده می شود. سیاستمدار به منظور و به خاطر بدست آوردن هدفش در برابر رقبا و مخالفان سیاسی خود موقف متضاد اتخاذ می کند، در نهایت نیت اصلی سیاستمدار، بدست آوردن قدرت، یا اختلال در نظم سیاسی به منظور دستیابی به قدرت، و یا عکس آن می باشد.
بی گمان جناح و احزاب و یا شخاص متمایل و علاقمند به یک سیاست و ایدیولوژی هم می تواند "پولیتولوگ" باشد اما اگر این پیشه و مسلک را در خدمت راه و رسم سیاسی خود قرار دهد، در این حالت اعتبار و مرجحیت داده های کاری او برابر به ماحصل کار یک متخصص "پولیتولوگ" که برای علم این تخصص را دنبال میکند، مرجح دانسته نمی شود.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بعضی از سازمان های مدنی، بشری، اجتماعی، مسلکی و حتی به ظاهر دموکراتیک، که مدعی اند، بیطرف و غیر سیاسی می باشند، اما همه رُخ سیاسی چنین سازمان های را به طور عریان به تماشا دارند، زیرا که تمام فعالیت ها، نشرات، ابراز نظرها، و حتی موقف گیری های شان در تمام عرصه ها، سیاسی و یا رنگ و بوی شدید سیاسی دارد.
اما سیاست شناس هدف و مقصد شناخت علمی از سیاست ها، روش های سیاسی، استراتیژی های سیاسی، برنامه های سیاسی، فعالیت ها و اقدامات سیاسی، ارزیابی، تحلیل، تحقیق، تدقیق، نقد، تفسیر و احیاناً پیش بینی تطبیق و نتایج اجرا و به عمل درآمدن سیاست ها را برعهده دارد، سیاست شناس از آدرس یک دانشمند و آگاه سیاسی برقضایا و رویداد های سیاسی می نگرد، بدون آنکه در برابر کدام سیاست و عمل سیاسی معین موقف گیری کند یا متعهد به آرمان های کدام جناح سیاسی باشد و یا به مثابهٔ یک اکتور و فعال سیاسی و رقیب و مخالف سیاسی در برابر کدام گروه و یا جریان سیاسی مشخص موضع اتخاذ نماید. پُست سیاست شناس یک پُست علمی و غیر سیاسی، تخصصی و اکادمیک است.
پولیتولوژی یا سیاست شناسی، علمی از علوم سیاسی است که محتوای آن مضمون و شکل طرح ها، افعال و مقاصد سیاسی حوزهٔ سیاست می باشد، مضمون مبتنی بر خط و مشی ها، تمایلات عام نیرو های سیاسی
سیاست شناسی در معنای جدید آن به حیث یک علم اجتماعی بیشتر اکادمیک و کمتر سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم عرض وجود کرده است، حلقات غیر مسلکی این رشته، تا هنوز آنرا به حیث یکی از شاخه های در حال تحول و تکامل علوم سیاسی می دانند، به عبارت دیگر این رشته هنوز هم به توسعهٔ بیشتر نیاز دارد و به همین جهت در تعریف مشخص آن گام های تکمیل کننده ای در حال برداشتن است، گرچه سیاست شناسی را با مفاهیم حاوی درونمایهٔ سیاسی نیز به کار می برند اما اخیراً این تِرم با محتوای صرف تخصصی و اکادمیک به کاربرده می شود، یعنی پولیتولوگ تنها در حوزهٔ شناخت علمی امور سیاسی کار تحقیقی میکند به مقصد ایجاد یک مؤلفهٔ علمی و یا شرح علمی و بیطرفانهٔ یک وضع یا حالت سیاسی.
شغل عمدهٔ پولیتولوگ ها، تدریس علوم سیاسی و بعد به حیث مبصر، مفسر، متخصص امور سیاسی، تحلیل گر، مسایل و وقایع سیاسی و... می باشد
توجه داشته باشیم که حقوق سیاسی یک حق بنیادی انسان ها است که تمام افراد بشر دارای حقوق سیاسی اند اما این افراد دارای حقوق سیاسی، الزاماً همه سیاستمدار نیستند یعنی سیاست تخصص و مسلک شان نیست که مهارت های سیاسی را بدانند. سیاستمدار برعلاوهٔ دانستنی های فوق الذکر، مهارت های دگری را که در امر پیشبرد مرام سیاسی لازم است، فرا خواهند گرفت، بدون شک سیاسیون حرفه یی(مسلکی) نسبت به سیاسیون غیر حرفه یی و "روزگار آوردگی" در کار و بار خود موفقتر خواهند بود.
اگر از حضور پُست پولیتولوگ یا سیاست شناس در میان هموطنان ما حرفی بزنیم ؛ اوضاع نابسامان کنونی لازمه از آن دارد تا سیاست شناسانی میداشتیم که با رعایت جدی فضیلت علمی و بیطرفانه متکی به آگاهی های تخصصی خودشان وضعیت و رویداد های موجود را مورد تحلیل و ارزیابی قرار میدادند و رهنمود های خبره ای در اختیار مردم ما می گذاشتند، ولی متأسفانه تا حال این آرزو فقط یک آرزوی ناتحقق یافته باقی مانده است، این آرزو بیشتر از مجامع دانشمندان و متخصصین توقع برده می شد که این توقعات هنوز خیلی ها به مورد و بجا نمی نماید، زیرا وقتی به رؤس کار، آرمان ها و موقف گیری های این مؤسسات دیده شود، این تأسیسات جداً به سیاسی شدن متمایل گردیده اند، زیرا تمام ارزیابی ها وموافقت ها و مخالفت های آنها عمیقاً و جداً سیاسی می باشد.
بنابر عرف کار در عرصهٔ معرفت، نباید عالمان و اهل علم و فرهنگ، در حوزه های علمی شان، سیاسی باشند وعقاید سیاسی خویش را در قلمرو تخصصی خود تحمیل نمایند و البته مؤسسات نامبرده می توانند "سیاست شناسان یا پولیتولوگ های(des politologues ") بنام را در کدر خویش شریک سازند، که الزاماً سیاست نمی کنند و تعلقات و وابستگی های سیاسی خویش را در کار و ارزیابی های علمی و اکادمیک خود راه نداده و ذیدخل نمی سازند و نیز فضیلت بیطرفی علمی را در ارزیابی سیاست های مروج، داخلی، منطقوی و بین المللی، بدون ارجحیت به یک ایدیولوژی و تمایل خاص سیاسی به طور مسؤولانه و جدی در نظر میگیرند،
به هر ترتیب این حالت ناخواستنی هم از اثرات دوره های گذشتهٔ تحولات جور و ناجور کشور خواهد بود که گرد ناخواستهٔ "سیاست زدگی" انگار در ساحات متعددی چشم را ناراحت میکند...
وطن ما هم از لحاظ پیچیدگی اوضاع و احوال بحرانی فعلی، ماهر ترین و کار آزموده ترین سیاست مدار ها را در محک آزمون قرار میدهد، سیاسیون موجود – به جز تعداد انگشت شمار – همه سیاستمداران "روزگار آوردگی" اند که به سویهٔ خیلی نازل هم قادر به انجام یک وظیفهٔ سیاسی نیستند، زیرا این ها سیاست را خدعه، فریب، دروغ، دسیسه، نیرنگ و... می شناسند و لذا از اجرای همین عملکرد ها دریغ نخواهند ورزید، از نظر بعضی از این ها "سیاست" : حیلهٔ کسب و اندوختن ثروت – ولو به هر بهای – تعریف میگردد که در عمل نیز زیر نام سیاست غیر از همین حیله، کاری دگری انجام ندادند.
سیاست زده گی چیست: سیاست را در همه عرصه ها گسترانیدن، در هر مسئله ای، علل آنرا به دلایل سیاسی مبتنی کردن، سیاسی ساختن تمام آدم ها و تثبیت شخصیت هر کسی بر روایات و احکام سیاسی، استنباطات عامیانهٔ سیاسی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

را تا سطح تئوری های بلند و مقبول سیاسی ارتقا دادن، ارجحیت و اولویت هر پدیده و امری بر مبنای سیاست و قرابت سیاسی محاسبه شدن و در نهایت سیاست ملاک صحت و ثُقم همه روند ها، خلاصه سیاست را بدون استناد به قواعد مربوط، صرف با هیجانات و عوامزده گی پذیرفتن و دنبال کردن
عیب سیاست زده گی این است که از توسعه و رشد سایر حوزه های علمی - طبعی و اجتماعی – می کاهد، توجه به سایر زمینه های حیات انسانی تقلیل می یابد، سیاست زده در هر زمینه ای شعار دگم خود را راه حل مطلق اعلام میکند، او بنابر شتابزدگی و فقدان قواعد و ضوابط، قادر به تحقیق و آگاهی از عمق مسائل نیست. تحجر و دگم و قطعیت بی استدلال علمی از خصایل سیاست زدگی است. سیاست زدگی جایگاه متفاوت میان اندیشه های یک حرفه یی یا متخصص(کار شناس سیاسی) و نظرات عامیانهٔ یک اُمی را از میان می برد. سیاست زدگی قناعت اندیشگی را فراهم می سازد که باعث تنبلی در اندیشیدن شده، و قاعدهٔ شک کردن در درستی و نادرستی طرح ها را تضعیف کرده و حتی زائل می سازد. سیاست زدگی قابلیت تشخیص بحران در دگر عرصه ها را که نیاز به دانش یک حرفهٔ دگر دارند، حایز نمی باشد و بناءً زمینهٔ عدم رشد عرصه های دگر را موجب شده می تواند، در نهایت سیاست زدگی یک طرح مقطعه یی سیاسی را تا حد یک فرمان و حکم غیر قابل تعدیل و تعویض جزم کاری میکند، که باعث افراط اندیشی در قضایای اجتماعی، سیاسی و غیره میگردد، سیاست زده گی مسبب آن می شود که تحولات روز تا روز مادی، معنوی علوم و اثر آن بر اندیشه ها و زندگی سیاسی و طرح های سیاسی درک نه شود. ما سیاست را در هر حوزه و زمینه ای میبریم بی توجه به آنکه مفاد و مضارآنرا از قبل به سنجش بگیریم، به عبارت دیگر؛ سیاست زدگی نوعی عوامزدگی است در کسوت سیاستگر نمایی.
اگر دوران دههٔ دموکراسی (۱۳۴۳ – ۱۳۵۲) را سر آغاز تحولات مهم افکار سیاسی – به شکل مدرن آن – در کشور ما تلقی کنیم، بدون شک این دوران اثرات و نتائج مهمی در تأریخ مابعد کشور بجا گذاشته که قسماً ثمرات خوب و نیز ثمرات ناخوب را به دنبال داشته است و یکی از ماحصل ناخوب آن "سیاست زدگی" است؛
در آن دوران جریانات مترقی، مردمی و پیشرو به یک صورتی حضور پیدا کردند که در بیداری و روشنگری نهضت ها و مردم سهم به سزای داشتند و نیز بنیان تلاش های جمعی برای تغییر اوضاع را اساس گذاری نمودند، که در وقایع بعدی کشور، ماحصل حضور شان محسوس بوده است، ولی نمی توان گفت که در کناره ها و حواشی این جنبش ها بعضاً سیاست زدگی نیز مشهود نبوده باشد.
با تأسف که در جامعهٔ ما از همان زمان اکسیر سیاست در همه عرصه و به همه خانه ها و می خانه ها و پس خانه ها برده شد، حالتی پیش آمد که هر کی به نحوی سیاسی می بود و موقف عریان سیاسی می داشت، البته قابل درک است که به دلیل قطغن بودن سیاست کردن برای مردم، مخفی بودن کار سیاسی یک امر اجتناب ناپذیر بوده است، همین امر ممنوعیت کار سیاسی برای مردم، خود باعث گردیده بود که کار سیاسی با کی ها و در کجاها به عمل آید. بنابر نادیدگی و نداشتن تجربهٔ کافی مشارکت در زندگی سیاسی، در دورهٔ دههٔ دموکراسی از پائین جامعه و در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک (پرچمی ها و خلقی ها) از بالای جامعه، ما یک مرحلهٔ سخت سیاست زده گی را تجربه کردیم که اثرات ناگوار آن تا حالا بر ما مستولی است، در دوران حاکمیت پرچم و خلق احدی حق نداشت، غیر سیاسی باقی بماند حزب دموکراتیک (پرچم و خلق) در کنار خطاه های نابخشودنی دگر خود، در این مورد هم تقصیر بزرگی را بر دوش دارد، یعنی ترویج غیر مؤجه سیاست در هیأت سیاست زدگی آن.
قابل تذکر است که سیاست مردان و دولتمردان که در حوزهٔ سیاست "حرفه یی" محسوب میگردند، همیشه احوال شخصی و عمومی شان از طریق رسانه ها زیر فوکس خواهد بود، تا آز آنچه که در باب "پاک دامنی" در هر زمینه ای پر مدعایی دارند، کج روی ها و تخلفات شان کشف و برملا ساخته شود، بالخصوص این روش بیشتر ذریعهٔ رسانه های رقبای سیاسی این افراد به اجرا گذاشته می شود، در حالی که افراد غیر سیاسی در زندگی خصوصی خود از این ادخال غیر، در دسترسی به وقایع زندگی خصوصی شان بی غم اند.
"سیاست ستیزی (انتی پولیتیزم) " بی گمان طرد و نفی کامل سیاست نیز یک راه و رسم پویا و انسانی و منصفانه نیز نیست زیرا **"سیاست ستیزی"** در یک معنی تأئید نظام های برحال جوامع تعبیر شده می تواند، این گرایش ارتجاعی با تبلیغ "منفی بودن سیاست...!!" عوام و توده ها را از مشارکت در روند های سیاسی به دور نگه میدارد. ضد سیاسی بودن تمایل ایستا، منفی و عقب گرایانه است، که حتی بعضاً نفی حقوق سیاسی تمام انسان ها را باعث خواهد گردید، سیاست ستیزی به این سبب صحیح و مؤجه نیست که در مقاطع و مراحلی از تأریخ یک جامعه نیاز خواهد بود که "عمل سیاسی"همگانی شود، یعنی همگان در آن ذیدخل و ذیسهم گردند؛ عمل سیاسی از شرکت در انتخابات تا انتقاد، اعتراض، مقاومت و اعمال جهشی و گرم سیاسی، به همه ای این افعال اصطلاح عمل سیاسی را اطلاق میکنند. به این معنی، تحولات و انکشافات سیاسی نیز بدون شرکت مردم، کمتر به نتایج مطلوب منتهی می گردد، پس نفیه سیاست در افکار مردم، امر مغایر رشد تأریخ یک کشور خواهد بود در هر صورت، شرکت در فعالیت های سیاسی برای مردم فقط در لحظهٔ سهم گیری شان مطرح می باشد، در حالی که برای فعالان سیاسی(les activiste politiques) شرکت آنان متداوم، دائمی و حرفه یی تلقی میگردد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

یعنی همه در حد و جایگاه خود – با ابزار های پیشهٔ مخصوص به خود – در وقت و زمان موعد آن در اصلاحات و تحولات بنیادی و جهشی سیاسی سهم خویش را ادا خواهند نمود، اما در همه زمانه ها فقط و فقط حرفه یی ها (سیاستمداران حرفه یی و مجرب) طرح ها و پروژه های سیاسی را ترتیب و تهیه خواهند کرد و مسؤلیت درستی و نادرستی طرح های سیاسی نیز برعهدهٔ سیاستمداران حرفه یی خواهد بود، که مسؤلیت حیات و ممات توده ها را بر دوش خواهند کشید، و رهنمایی نحوهٔ تطبیق آنرا برای مردم، هم بر عهده خواهند داشت و مردم در رد و قبول آن مختارخواهند بود.

بالاخره عدم تجربه و عدم درک صحیح از عرصه های مختلف، فقدان روایت و شناخت توأم با فضیلت بیطرفی از اوضاع و مسائل سیاسی، حذف نکردن کامل انحراف سیاست زدگی و بالاخره عدم توجه به سیاست ستیزی – در شکل های گوناگون آن – باعث تشتت در افکار و افعال سیاسی خواهد گردید.

شاید به همین استدلال، سیاست زدگی سالمند نزد ما وجود داشته است که ساحات فعالیت های سیاسی در کشور ما هم از گرایش سیاست زدگی بی آسیب نمانده است.

در وطن ما افغانستان؛ مفسران سیاسی غالباً اهل سلک در "سیاست شناسی" نیستند، "اهل سلک" که هم اصول و قواعد کار تفسیر سیاسی را بدانند و نیز ضوابط کاری یا سلوک کاری یک سیاست شناس را بلد باشند. این مفسران گرامی بیش از آنکه پابند به مقررات شغلی کسب تحلیل گری باشند، فعالین سیاسی (les activiste politiques) اند، که صرف تحلیل و تفسیر شان توجیه خط و مشی سیاسی شان می باشد و سعی به آن می داشته باشند تا ذهنیت مخاطبان خویش را به سوی اهداف صرف سیاسی خود جلب و جذب نمایند. بدون شک در میان این محترمان استعداد ها و قابلیت های درخشنده ای را می توان مشاهده کرد ولی این قابلیت ها در روند های صرف می شوند که اکثراً با واقعی بینی یک کار شناس سیاسی (سیاست شناس) انطباق کامل ندارند، نمی توان از وجود و حضور عده ای قلیل مفسران بیطرف و محتملاً قریب به خطوط علم سیاست شناسی میان این محترمان انکار کرد.

عده ای خیلی محدود هم در میان شان است که سعی بر آن دارند تا بیانات و تفاسیر شان را رنگ غیر جانبدارانه و واقعگرایانه بدهند، ولی در نهایت سعی بر تلقین نیات سیاسی مشخص خود بر مخاطبان میباشند.

در این جا باید معترف بود که مطالعهٔ و کار پژوهشی فراخ در بارهٔ این موضوع، نیاز به ادخال در موارد زیاد را ایجاب میکند، یعنی برای شرح حواشی ناروشن موضوع، ضرورت می افتد، مورد به مورد به آن حواشی مبهم روشنی انداخته شود.

در جوامع پیشرفته و دموکراتیک مردم بیش از آنکه به سخنان بعضاً جذاب و عشوه گرانهٔ سیاسیون گوش فرا دهند به تبصره و تشخیص سیاست شناسان بیشتر اعتماد میکنند زیرا این گروه با دقت کامل و فضیلت علمی و مسلکی، بیطرفی را جز پابندی به یک عهد سوگند گونهٔ پیشهٔ شان می شناسند.

بنابران پولیتولوژی ما را کمک می کند تا در بخش علوم سیاسی به آن ساحه ای آشنایی حاصل کنیم که به حوزهٔ سیاست صرف نگاه علمی دارد بدون آنکه کدام تعلق و تعهدی سیاسی وایدیولوژیک داشته باشد پولیتولوگ اراده و نیت اعِمال کدام سیاست را ندارد و مثل یک سیاستمدار به دنبال منافع سیاسی خود نمی باشد، او به غیر از انکشاف علمی و آگاه ساختن مخاطبان از واقعیت سیاست ها و سیاستمداران کدام مقصد دیگری را پیش رو نمی داشته باشدد، ارزیابی ها، تحلیل ها، تبصره ها، تفسیر ها ونقد های موضوعات مربوط به حوزهٔ سیاست را که بدون علایق، ایدیولوژیک، سیاسی، اقتصادی، حزبی و سازمانی و...به عمل آمده باشد، در کار های سیاست شناسان یا کار های ادکادمیک پولیتولوگ ها می توان تا حدودی ملاحظه نمود.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ